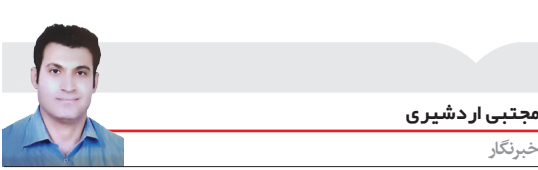


نگاهی به ۷ مستند نمایش داده‌شده در شانزدهمین جشنواره سینماحقیقت

چربش سوزده‌بر محتوا


مجتبی ارشدیری

خبرنگار

شانزدهمین جشنواره سینماحقیقت‌درحالی‌به‌ایستگاه‌پایانی‌رسید‌که‌بگری‌سوزه،‌پرداخت‌استاندارد‌و‌به‌اندازه‌و‌البته‌حساسیت‌روی‌دیگر‌میانی‌تولید،‌ازجمله‌مشخصه‌های‌تولیدات‌مستند‌ایرانی‌بود.‌این‌خصایص‌سبب‌شد‌تا‌بدون‌اغراق‌با‌جنب‌داری،‌تولیدات‌ایرانی،‌یک‌سر‌و‌گردن‌بالا‌تر‌از‌تولیدات‌جهانی‌جشنواره‌امسال‌دیده‌شوند.‌البته‌که‌در‌این‌دوره،‌زمینه‌های‌حمایت‌از‌استعداد‌های‌شهرستانی‌این‌عرصه‌نیز‌فراهم‌آمد‌و‌این‌خود‌نوید‌این‌مهم‌را‌می‌دهد‌که‌برای‌سال‌آینده‌تولیدات‌کیفی‌بیشتری‌را‌شاهد‌بوده‌و‌مهم‌تر‌از‌آن‌اینکه‌جریان‌حرفه‌ای‌گری‌در‌سینمای‌مستند‌کشورمان‌روی‌یک‌روال‌استانداردی‌قرار‌می‌گیرد‌که‌صدالبته‌سبب‌ترتیب‌یک‌نسل‌و‌هدایت‌آنها‌به‌مسیر‌درست‌این‌حوزه‌است.‌با‌این‌امید،‌نگاهی‌انداخته‌ایم‌به‌چند‌مستند‌نمایش‌داده‌شده‌در‌جشنواره‌امسال.

سنگ‌های مرز

فیلم،‌سسوزه‌خوبی‌برای‌پرداخت‌دارد‌و‌بیشتر‌دایرمدار‌وصف‌صفت‌منطقه‌مرزی‌مهران‌است.‌به‌موازات‌این‌کاوش‌جغرافیایی،‌فیلم‌قصد‌دارد‌تا‌به‌یک‌داستان‌رنال‌نیز‌ورود‌کند‌اما‌این‌بعد‌داستان،‌از‌چاشنی‌سرگرمی‌بخش‌یا‌وجوه‌اسنادی‌کافی‌برخوردار‌نیست.‌آن‌رابطه‌حداقلی‌در‌این‌بخش‌شکل‌نمی‌گیرد‌و‌بار‌رزمیایی‌ششناختی‌فیلم‌که‌سوار‌بر‌داستان‌سنگ‌ها‌است،‌بر‌وجه‌داستانی‌آن‌غلبه‌می‌کند.‌این‌اشکال‌البته‌از‌قالب‌کلاسیک‌مستند‌ناشی‌می‌شود.‌جایی‌که‌کارگردان‌تلاش‌کرده‌تا‌بدون‌توجه‌به‌تکنیک‌های‌روز‌این‌سینما،‌از‌همان‌متد‌قدیمی‌وصف‌صفت‌استفاده‌کرده‌و‌برای‌اجرائی‌کردن‌آن،‌به‌ابتدایی‌ترین‌شکل‌ممکن‌که‌نشان‌دن‌فرد‌مقابل‌دوربین‌و‌دریافت‌توضیحات‌اوست‌بسنده‌کند.‌درحالی‌که‌این‌فیلم‌با‌همین‌شکل‌ظاهر‌نیز‌از‌پتانسیل‌بالایی‌در‌جهت‌خلق‌موقعیت‌و‌ورود‌مقتدرانه‌تر‌به‌وجه‌داستانی‌برخوردار‌بود‌که‌متاسفانه‌عدم‌توجه‌به‌این‌مقوله‌سبب‌شد‌تا‌فیلمی‌با‌این‌سوزه‌خاص،‌به‌اثری‌حوصله‌سربر‌تبدیل‌شود.

دنیای وحشی زاگرس

دنیای‌وحشی‌زاگرس،‌قطعا‌درپچه‌ای‌جدید‌به‌دنیای‌مستندسازی‌ایران‌باز‌کرده‌است.‌یک‌مستند‌حیات‌وحش‌کاملا‌استاندارد‌با‌مولفه‌های‌جهانی‌که‌تولید‌آن‌چند‌سال‌زمان‌برد‌و‌طی‌آن،‌تصاویر‌بکر‌و‌کم‌تردیده‌شده‌ای‌از‌زیست‌بوم‌زاگرس‌و‌حیوانات‌آن‌دیده‌شد.

فارغ‌از‌دشواری‌تولید‌و‌زمان‌بسیاری‌که‌صرف‌تولید‌این‌اثر‌شده‌و‌به‌راحتی‌از‌همان‌نخستین‌دقایق‌فیلم‌قابل‌درک‌است،‌دنیای‌وحشی‌زاگرس،‌فیلم‌تحقیق‌است.‌کارگردان‌پیش‌از‌آنکه‌از‌روی‌عرق‌و‌علاقه‌مندی‌به‌جغرافیای‌زاگرس،‌به‌این‌مبحث‌ورود‌کند،‌مطالعات‌عمیقی‌روی‌این‌زیست‌بوم‌داشته‌و‌در‌روزگاری‌که‌یکی‌از‌پاشنه‌های‌آشیل‌سینمای‌مستند‌ایران،‌نبود‌مطالعه‌و‌تحقیق‌عمیق‌است،‌با‌اشراف‌بالایی‌قدم‌در‌مسیر‌تولید‌گذاشته‌و‌می‌تواند‌با‌باهره‌مندی‌از‌ابزارهای‌حرفه‌ای‌فیلمبرداری‌و‌صدابرداری،‌تصاویری‌را‌شکار‌کند‌که‌هرگز‌در‌تولیدات‌داخلی‌به‌چشم‌نیامده‌بود.

استاندارد‌بالای‌اثر‌به‌اندازه‌ای‌است‌که‌اگر‌مخاطب‌ندانند‌که‌فیلم‌را‌چه‌کسی‌ساخته،‌تقریبا‌محال‌است‌آن‌را‌در‌زمره‌تولیدات‌ملی‌قلمداد‌کند.‌این‌فیلم‌با‌تمام‌اندوخته‌ها‌و‌غنائیم‌کیفی‌خود،‌برای‌سینمای‌مستندی‌که‌راندمان‌چندان‌موقتی‌در‌حوزه‌حیات‌وحش‌ندارد،‌در‌مقام‌صف‌شکن‌ظاهر‌شده‌و‌سبب‌می‌شود‌تا‌از‌این‌پس‌امیدواری‌بسیاری‌نسبت‌به‌تولیدات‌این‌حوزه‌شکل‌بگیرد.

فرش عرش

فیلم،‌سسوزه‌ای‌کهنه‌دارد‌اما‌با‌یک‌حلاوت‌درستی‌به‌تشریح‌آن‌می‌پردازد‌که‌برای‌مخاطب،‌دوست‌داشتنی‌است.‌اگرچه‌هدف‌مستند‌از‌همان‌ابتدا‌مشخص‌است‌و‌غافلگیری‌خاصی‌نصیب‌مخاطب‌نمی‌شود‌اما‌فیلم‌در‌مسیر‌داستانی،‌خیلی‌گرم‌روایت‌می‌شود‌و‌شیرینی‌زبان‌اصفهانی‌سبب‌می‌شود‌تا‌مخاطب،‌تا‌پایان‌اثر‌آن‌را‌دنبال‌کند.

در‌این‌طی‌طریق‌اما‌آنچه‌اهمیت‌دارد‌این‌است‌که‌فیلم‌به‌رپرتاژ‌تبدیل‌نشده‌و‌عناصر‌فرعی‌نیز‌اجازه‌نموی‌پیدا‌می‌کنند‌تا‌به‌این‌ترتیب،‌این‌مستند‌داستانی،‌شکل‌خام‌دستانه‌ای‌به‌خود‌نگیرد.‌ضمن‌آنکه‌مکت‌های‌درستی‌در‌لابلای‌داستان‌تعبیه‌شده‌که‌اجازه‌کرختی‌روایت‌را‌نمی‌دهد؛‌مکت‌هایی



که‌در‌فضای‌گرم‌و‌پرانرژی‌فیلم،‌مخاطب‌را‌به‌فکر‌انداخته‌و‌بعضا‌اندوه‌وی‌را‌به‌همراه‌دارد‌و‌این،‌یکی‌از‌مزیت‌های‌فکرشده‌و‌درست‌فیلم‌است.

کوهستان بی صدا

برای‌داستان‌های‌این‌چینی‌که‌کاراکتر‌اصلی‌اثر،‌نمی‌تواند‌سخن‌بگوید،‌باید‌فضا‌به‌اندازه‌ای‌پرپتانسیل‌باشد‌که‌آن‌سکوت‌اذیت‌کننده‌سکانس‌ها،‌مخاطب‌را‌آزده‌نکند.

در‌کوهستان‌بی‌صدا،‌این‌بی‌صدایی،‌مخاطب‌را‌می‌آزارد.‌علی‌الخصوص‌آنکه‌کارگردان‌به‌عمد‌تلاش‌دارد‌تا‌صداهای‌بسیاری‌از‌طبیعت‌به‌گوش‌برسد‌که‌این‌نمی‌تواند‌مزیت‌چندانی‌برای‌این‌فیلم‌به‌همراه‌داشته‌باشد،‌آن‌هم‌در‌فیلمی‌که‌از‌سکانس‌هایی‌نسبتا‌طولانی‌برخوردار‌است‌و‌در‌چنین‌سکانس‌هایی،‌نبود‌کاراکترهای‌زیاد‌به‌اندازه‌کافی‌حوصله‌سربراست‌حالا‌به‌این‌بعد‌سکوت‌تنها‌کاراکتر‌اصلی‌فیلم‌را‌نیز‌بیفزاید.

مهندسی‌کاراکتر‌اصلی‌و‌دیگر‌کاراکترهای‌فرعی‌داستان،‌به‌شکلی‌ابتدایی‌صورت‌گرفته‌که‌اثر‌را‌تا‌انداختن‌از‌شمایل‌یک‌مستند‌پیش‌می‌برد.‌این‌فیلم،‌در‌دنیای‌جدید‌سینمای‌مستند‌که‌افق‌هایی‌به‌لحاظ‌داستان‌گویی‌و‌تکنیک‌بر‌آن‌غلبه‌کرده،‌هیچ‌جایی‌ندارد‌و‌با‌همان‌فرمول‌مستندسازی‌دهه‌۸۰‌به‌تولید‌رسیده‌است‌که‌قدرت‌جذب‌چندانی‌در‌مخاطب‌ندارد.

اما‌فیلم‌هر‌چه‌که‌نداشته‌باشد،‌قاب‌های‌بسیار‌زیبا‌و‌درستی‌از‌جلوه‌های‌مختلف‌طبیعی‌دارد‌که‌قطعا‌بیش‌از‌کلیت‌اثر،‌به‌دل‌مخاطش‌می‌نشیند.

ماهر

قرار‌است‌یک‌اتفاق‌بزرگ‌را‌روایت‌کرده‌و‌دربردارنده‌لحظات‌نفس‌گیری‌از‌یک‌روایرویی‌باشد.‌این‌یعنی‌فیلم‌دارای‌دومینه‌است؛‌در‌نیمه‌نخست،‌آن‌تعلیق،‌به‌شکل‌سینمایی‌خود‌شکل‌نمی‌گیرد‌و‌بیشتر‌یک‌شوق‌و‌کنجکاوی‌ذاتی‌در‌مخاطب‌برانگیخته‌می‌شود‌تا‌اینکه‌آن‌حسن،‌پرداختی‌مستندگونه‌داشته‌باشد.

در‌هنگام‌مواجهه‌مادر‌و‌دختر‌پس‌از‌۳۲‌سال‌نیز‌شکوه‌چندانی‌دیده‌نمی‌شود‌تا‌فیلم‌بیش‌از‌آنکه‌یک‌مستند‌استاندارد‌باشد،‌در‌اندازه‌فیلمبرداری‌ساده‌از‌مراسم‌مواجهه‌این‌مادر‌و‌دختر‌تقلیل‌یابد.‌بنابراین‌سوزه‌ای‌که‌می‌توانست‌یکی‌از‌تاثیرگذارترین‌آثار‌جشنواره‌باشد،‌این‌چنین‌در‌مقام‌روایت‌گر‌ظاهر‌شد.

در‌کنار‌این‌چهارچوب‌ناردست،‌فیلم‌صحنه‌های‌اضافه‌بسیاری‌دارد‌و‌البته‌آدم‌های‌نامربوطی‌که‌دقایق‌نسبتا‌زیادی‌به‌آنها‌پرداخته‌می‌شود.‌قطعا‌اثر‌نیازمند‌یک‌تدوین‌مجدد‌است‌تا‌ریتم‌فیلم‌تندتر‌شده‌و‌خلوص‌و‌هسته‌مرکزی‌داستان،‌محوریت‌بیشتری‌پیدا‌کند.

میلقا

یک‌مستند‌تاریخی‌که‌بیشترین‌مزیت‌آن،‌ارائه‌اطلاعاتی‌است‌که‌شاید‌بسیاری‌از‌مخاطبان‌این‌فیلم،‌از‌آن‌بی‌خبر‌بودند.‌فارغ‌از‌این‌

مهم،‌فیلم،‌آورده‌چندانی‌برای‌مخاطبش‌ندارد.‌از‌زبان‌نریشن‌بهره‌می‌گیرد‌که‌با‌زمختی‌و‌شکل‌کلاسیک‌خود،‌چندان‌به‌دل‌مخاطب‌نمی‌نشیند‌و‌حتی‌در‌جاهایی،‌حوصله‌او‌را‌سر‌می‌برد.

به‌لحاظ‌اسنادی‌نیز‌فیلم‌بسیار‌مبادی‌آداب‌رفتار‌کرده‌و‌ترجیح‌می‌دهد‌با‌یک‌بیان‌و‌تصاویر‌خشک،‌یک‌داستان‌تاریخی‌را‌برای‌مخاطبش‌بازگو‌کند.‌تنها‌بخش‌جذاب‌اثر،‌کلیشه‌ای‌ترین‌قسمت‌آن‌است‌که‌طی‌آن،‌چند‌انسان‌به‌جا‌مانده‌از‌دوران‌قدیم،‌روبه‌روی‌دوربین‌نشسته‌و‌به‌بیان‌شنیده‌های‌خود‌از‌دوران‌ناصرالدین‌شاه‌می‌پرداختند.

هرچند‌سوزه‌داستان‌نیز‌اجازه‌ورود‌بیشتر‌را‌به‌صاحبان‌اثر‌نمی‌داد‌اما‌می‌شد‌با‌تدابیری‌در‌شکل‌اجراء،‌از‌مه‌لقا،‌فیلم‌دیدنی‌تری‌به‌دست‌آورد‌که‌مخاطب‌را‌ترغیب‌کند‌تا‌پایان‌آن‌را‌دنبال‌کند.

برزخی‌ها

ساخته‌عارف‌افشار،‌پیش‌از‌آغاز‌جشنواره،‌سروصدای‌بسیاری‌به‌راه‌انداخته‌و‌کنجکاوی‌دوستداران‌این‌فیلم‌را‌برانگیخته‌بود.‌فیلمی‌که‌با‌نیش‌قبر‌اتفاقات‌اواخر‌دهه‌۵۰‌و‌اوایل‌دهه‌۶۰،‌قصد‌داشت‌تا‌به‌بحران‌این‌فیلم‌به‌عنوان‌نخستین‌اثر‌توقیفی‌سینمای‌ایران‌که‌تاثیر‌شگرفی‌روی‌نسل‌بازگیری‌آن‌زمان‌داشت،‌ببردارد.

نکته‌قابل‌توجه‌فیلم‌این‌بود‌که‌نگاه‌جانب‌دارانه‌ای‌نداشت‌و‌چهره‌های‌مختلفی‌از‌طیف‌های‌فکری‌گوناگون‌که‌در‌تصمیم‌گیری‌آن‌سال‌ها‌حضور‌داشتند‌را‌برای‌ادای‌توضیحات،‌دعوت‌کرده‌بود.‌طی‌یک‌ابتکار‌حرفه‌ای،‌از‌چهره‌هایی‌که‌عموما‌اهل‌گفت‌و‌گو‌نیستند‌به‌صورت‌تلفنی‌دعوت‌شده‌بود‌و‌با‌قطع‌صدای‌آن‌میهمان‌که‌نامش‌در‌فیلم‌برده‌شده‌بود،‌دلیل‌صحبت‌نکردن‌آن‌چهره‌ها‌مشخص‌می‌شد.

بنابراین‌فیلم‌در‌گام‌نخست،‌به‌خوبی‌توانست‌از‌داده‌های‌اطلاعاتی‌مسجل‌خود،‌نهایت‌بهره‌کشی‌را‌به‌عمل‌بیاورد.‌در‌گام‌دوم،‌تدوین‌بسیار‌مویرگی‌فیلم‌سبب‌شد‌تا‌هر‌اظهارنظر‌مدعو،‌پشت‌اظهارات‌موافق‌یا‌مخالف‌مدعوی‌دیگر‌قطار‌شود‌و‌این‌هارمونی،‌قدرت‌تصمیم‌گیری‌و‌پی‌بردن‌به‌اصل‌واقعه‌را‌برای‌مخاطب‌راحت‌تر‌می‌کرد.

برزخی‌ها،‌بیش‌از‌یک‌سال‌درگیر‌پروسه‌ساخت‌بود‌و‌بالطبع،‌زمان‌زیادی‌نیز‌صرف‌تدوین‌حرفه‌ای‌آن‌شد.‌این‌شکل‌تدوین‌در‌مسیر‌دانش‌مخاطب،‌به‌اندازه‌ای‌در‌مقام‌کاتالیزور‌عمل‌کرده‌که‌ممیزی‌های‌فاحش‌فیلم‌خللی‌به‌آن‌وارد‌نکرد‌گرچه‌قطعا‌می‌شد‌با‌کاهش‌چگالی‌ممیزی،‌بر‌جسارت‌آن‌افزود‌و‌به‌شکل‌صریح‌تری‌در‌مورد‌مسئبان‌این‌توقیف‌صحبت‌کرد.‌هر‌چند‌که‌مشخص‌نشد‌این‌محافظه‌کاری‌نسبی‌که‌در‌کوئیدن‌مسبب‌این‌جریان‌در‌سرتاسر‌اثر‌لمس‌می‌شد،‌از‌سوی‌کارگردان‌لحاظ‌شده‌یا‌تاثیرات‌تیغ‌سانسور‌است‌اما‌با‌این‌حال،‌برزخی‌ها،‌از‌پرمخاطب‌ترین‌و‌باکیفیت‌ترین‌فیلم‌های‌جشنواره‌شانزدهم‌سینماحقیقت‌محسوب‌می‌شود.

نمایندگان مجلس قطع شبکه پرس تی وی را محکوم کردند

۱۹۶ نماینده مجلس در محکومت تحریم‌های رسانه‌ای اتحادیه اروپا و قطع شبکه پرس تی‌وی بیانی‌های صادر کردند. آنها در این بیانیه روی این موضوع تأکید داشتند که قطع پخش ماهواره‌ای پرس تی‌وی، مصداق بارز نقض آزادی بیان است.

بخشی از متن بیانیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به این شرح است: «اقدام اتحادیه اروپا در قرار دادن چندین نهاد و فرد ایرانی از جمله شبکه پرس تی‌وی در فهرست جدید تحریم‌ها، به دلایل واهی که منجر به قطع پخش این شبکه انگلیسی‌زبان صداوسیما توسط ماهواره فرانسوی یوتل ست شده، اقدامی کاملاً آشکار علیه آزادی بیان رسانه‌ها در انعکاس واقعیت‌های خبری است. بی‌شک تحریم‌های اعمال شده علیه پرس تی‌وی توسط اتحادیه اروپا و پیش از آن توسط دولت کانادا، هدفی جز ایجاد محدودیت بیشتر برای رسانه‌های جبهه مقاومت به محوریت ایران اسلامی را دنبال نمی‌کند اما گویای این حقیقت نیز هست که این شبکه و دیگر رسانه‌های مشابه، توانسته‌اند در مسیر تحقق اهداف خود عملکرد موثقی داشته باشند و صدای رسای حقیقت‌طلبی و حقیقت‌جویی در سطح المللی باشند زیرا برخلاف رویه و روند امپراطوری رسانه‌ای غرب، پرس تی‌وی تلاش کرده مقابله‌ای علمی و عملی با وارونه‌نمایی‌های آنها داشته باشد. اینک، اتحادیه اروپا همدست و همدستان با دولت آمریکا و به خیال خام خویش، پخش پرس تی‌وی را از یوتل ست قطع کرده تا مردمان آزاده جهان از خاورمیانه تا آفریقا و از آسیای دور تا قلب آمریکا و اروپا از شنیدن و دیدن این شبکه محروم شوند اما حقیقت خوشبیدی است که پشت ابر نمی‌ماند.»

روابط عمومی رشد نیستیم

مطلب روزنامه «فرهیختگان» درباره افول استقبال از مجله‌های رشد نوجوانان که با تیتیر «رشد در حال افت» منتشر شد (صفحه ۱۲ دوشنبه مورخ ۱۴/۱۹/۱۴۰)، آنطور که توقع می‌رفت، از جانب مدیران فعلی مربوطه با واکنش منفی مواجه شد. گزارش‌هایی از این دست خصوصاً اگر یک نقد جزئی وارد نکنند و کلیت وضع نابسامان یک سازمان را زیر سوال ببرند، تقریباً در تمام موارد با واکنش تند و عصبی مدیران سازمان مواجه می‌شوند و از همین رو لحن جوابیه‌ای که مشاور رسانه‌ای وزیر آموزش و پرورش برای روزنامه «فرهیختگان» فرستاد عجیب نیست. در جوابیه رسمی آنها آمده است که با خبرنگار تماس گرفته شده و نسبت به تیتیر «رشد در حال افت» تذکر دادند که برخورد مناسبی نشد. طرح این بحث‌ها در متن جوابیه زببنده نیست اما صرفاً می‌توان این پاسخ را داد که برخورد با ایشان کاملاً محترمانه بود و از آنجا که عموماً مکالمات یک خبرنگار ضبط می‌شود، شاهدی برای اثبات این مدعا هم موجود است. نکته اینجاست که آقای مهدی حاجی محمدی متوجه تفاوت شغل روزنامه‌نگاری با حرفه محترم خودشان به‌عنوان مدیر روابط عمومی نیستند. در روزنامه‌نگاری برای خوش آمد کسی از مدیران فعلی و سابق تلاش نمی‌شود و وجهه همت روزنامه‌نگاران کشف حقیقت است، لذا ایشان نباید توقع ویژه‌ای از خبرنگار «فرهیختگان» در خصوص نتیجه‌گیری نهایی گزارش داشته باشند و در کرون چنین توقعی را بی ادبی و جسارت به خود تلقی کنند.

برای اینکه این گزارش یک‌طرفه نباشد طی تماسی که با عوامل مجموعه رسانه‌ای رشد به عمل آمد، گفت‌وگویی هم در صفحه ۱۳ همان شماره منتشر شد. این تماس با هماهنگی روابط عمومی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آموزش و پرورش صورت گرفت و مانی نوری آشتیانی تحت عنوان دبیر سایت مجلات رشد در این گفت‌وگو مدعی شد: «تیراژ مجلات رشد میلیونی است. در زمان کرونا قدری پایین آمد ولی باز هم روی تیراژ میلیونی مانده بود. الان که مدارس باز شدند و دانش آموزان به مدارس می‌روند امکان دریافت بهتر مجلات را دارند و روی عددهای میلیونی است و بالاتر رفته است.» با توجه به ادعای مطرح شده که مبهم و اغراق آمیز می‌نمود، خبرنگار «فرهیختگان» ضمن مطالبه شفافیت در آمار، درخواست کرد که رقم تیراژ مجله‌به‌تفکیک هر شماره ارائه شود. اما گردانندگان مجله تمایلی به ارائه جزئیات این ادعا نداشتند. آنچه در لید گفت‌وگو، محاسبه شده، با توجه به ادعای تیراژ میلیونی مجلات رشد با وجود به سایت مجله رشد با متوسط هزینه اشتراک ۹ ک شماره (مهرماه تا خرداد ماه) با قیمت ۲۳۰ هزار تومان است.

در بخش دیگری از این جوابیه آمده است: «تعداد ماهنامه‌های رشد دوبر به اشتباه ۱۱۳ عنوان درج گردیده است. اما این اعداد اوصاحبه‌شوند. این گونه مطرح کرده است: «تا الان ۱۱۳ عنوان ماهنامه داریم که در یک دوره سال تحصیلی منتشر می‌شوند.» و روزنامه تحریفی در درج اظهارات دبیر سایت مجلات رشد نداشته است. ضمن اینکه در لید همین گفت‌وگو، عدد «۱۱۳ عنوان ماهنامه» مبنای محاسبه میزان فروش مجلات رشد نبوده و همان ادعای میلیونی تیراژ مجلات رشد در نظر گرفته شده است.

مدعای بی اساس دیگر این جوابیه، تحریف گفت‌وگوی دبیر سایت مجلات رشد است که تاکید می‌شود بخشی از این گفت‌وگو به صورت مکتوب انجام شده و کلیه مستندات گفت‌وگو در روزنامه موجود است. باقی مواردی که در این تکذیبیه عنوان شده هم متعاقباً پاسخ داده می‌شود و باید گفت تمام مطالب گزارش «فرهیختگان» درباره «رشد در حال افت» حقیقت دارند.

جوابیه

حضور ارجمند جناب آقای ایمانجانی

مدیرمسئول روزنامه «فرهیختگان»

سلام و تحیات

با تقدیم احترام؛ در خصوص انتشار یادداشتی در روزنامه دوشنبه مورخ ۱۴/۱۹/۱۴۰۱ به شماره ۳۷۵۸ صفحه ۱۳، درباره مجلات رشد علی‌رغم ارائه مصاحبه به صورت مکتوب توسط کارشناسان این سازمان که به پیوست عینا متن مصاحبه می‌تقدیم گردد، متأسفانه ضمن تحریف مصاحبه، اشکالات و ایرادات اساسی وجود دارد که اساساً کذب بوده و حاصل استنباط فردی خبرنگار شماس‌ت و این سازمان ضمن در اتهامات وارده و ایراز ناخرسندی از این اقدام ناشایست غیرحرفه‌ای و غیرصادق نکات را به حضور ارسال می‌دارد و انتظار دارد به نحو مقتضی در انتشار شایسته پاسخ اقدام نماید. شایان ذکر است پس از تمسندات تلفنی و تقدیم روزنامه‌های خبرنگار محترم به پاسخ روشنی ارائه‌شده و رفتار احترام‌آمیزی نداشتند. ایرادات و ادعاهای کذب مندرج در یادداشت به شرح ذیل می‌باشد:
۱. تعداد ماهنامه‌های رشد دوبر به اشتباه ۱۱۳ عنوان درج گردیده است و بر همین اساس ضرب و تقسیم شده است. درحالی‌که ۱۳ عنوان صحیح است.
۲. اشتباه بعدی در درج قیمت ماهنامه‌های رشد رخ داده است. قیمت ماهنامه‌های رشد بین ۶۱۷۰۰۰ ریال تا ۷۵۰۰۰۰ ریال می‌باشد و در بخش نمایندگان مجلات رشد در پایگاه اینترنتی این مجلات قیمت روی جلد هر مجله موجود است که خبرنگار شما به اشتباه ۲۵۰/۰۰۰ ریال درج کرده‌اند و با اشتباه مندرج در بند اول به عدد نجومی رسیده‌اند.
۳. هزینه ۲۳۰ هزار تومانی که در گزارش به آن اشاره گردیده است، برای یک دوره هر مجله است و با احتساب هزینه‌های پست و انتقالات بوده و محاسبه مبلغ سود از این رقم اشتباه دیگری است که خبرنگار شما مرتکب گردیده است.
۴. در بخش فروش مجلات مخاطبان راهنمایی شده‌اند که از مسیر مدارس اقدام به تهیه مجلات نمایند تا به قیمت روی جلد به دست عزیزان برسد چراکه نگاه ما به فروش مجلات سود اقتصادی نیست و تلاش می‌کنیم با ساده‌ترین روش و ارزان‌ترین حالت ممکن حتی در بخش‌هایی به صورت رایگان در اختیار مخاطبان محترم قرار گیرد در حالی‌که از سیاق گزارش چنین برداشت نشده و سازمان به‌عنوان یک نگاه اقتصادی نمایش داده شده است.
۵. به جهت اشتباه در محاسبات فوق به یک درآمد نجومی میلیاردی رسیده‌اید که وجود واقعی نداشته و کاملاً کذب است و با این اتهام سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی متهم به سرمایه‌داری و دریافت سود از ذی‌نفعان گردیده است.
۶. فقط سه مجله دانش آموزی رشد کودک، رشد نواآموز و رشد دانش آموز ۹ شماره منتشر می‌شود و سایر ماهنامه‌ها در ۸ شماره منتشر می‌شود که در این باره هم متأسفانه اطلاع‌رسانی صحیحی صورت نگرفته است. شایان ذکر است اگر خبرنگار و سردبیر محترم آن روزنامه ادعای کذب خود را نتوانند به اثبات برسانند اقدام شایسته‌ای در رفع این اتهام ترتیب نگیرند، این سازمان حق شکایت حقوقی مبنی بر نشر اکاذیب‌تهمت و افترا را علیه ایشان و آن نشریه برای خود محفوظ می‌داند. در پایان ضمن قدردانی از اهتمام آن رسانه و زین‌در خصوص نوجوانان عزیز و پیگیری اقدامات رسانه‌های مختلف در این حوزه اشعار می‌دارد این سازمان از نقد عالمانه و صادقانه استقبال می‌کند، انتظار می‌رود با رعایت اخلاق و تقوای رسانه‌ای در انتشار و گزینش اخبار تدقیق لازم ترتیب دهد تا حقوقی از سازمان‌ها یا اشخاص تضییع نگردد.